

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی- پژوهشی

سال یازدهم- شماره دوم- تابستان ۱۳۹۷- شماره پیاپی ۴۰

دگردیسی سبک و شیوه آموزش و تربیت کودک و نوجوان در ایران و جهان

(از عصر باستان تا کنون)

(ص ۲۱۱ - ۱۹۷)

آسیه ذبیح نیا عمران^۱

تاریخ دریافت مقاله: زمستان ۱۳۹۵

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: بهار ۱۳۹۶

چکیده

در جهان باستان، نگرش به کودک، با هدف آموزش و تعلیم او برای بزرگسالی استوار بود. ایرانیان باستان کودکان و نوجوانان را گرامی میداشتند و به تربیت آنان اهمیت بسیار میدادند. ایرانیان سنین بین هفت تا پانزده سالگی را سن شناخت عقلی مینامیدند و در این سالها نواوزان، افزون بر تعلیم دانشهای دینی، طبیعی، ادبیات خواندن و نوشتن و آشنایی با رسم خطهای گوناگون، تاریخ یا کارنامه (داستان زندگی شخصیت‌های تاریخی)، کمان‌وری، سوارکاری و سپاهیگری، سرود (شعر و چکامه) هم‌آوازی با موسیقی، نواختن چنگ و دیگر سازها، ستاره‌شناسی، شطرنج و تمرین راستگویی و دبیری، نیز آشنا میشدند. دارندگان هر پیشه‌ای فرزندان‌شان را برای پیش گرفتن پیشه پدری خود تعلیم میدادند. با اینهمه دولت برای آموزش و پرورش کودکان بی‌سرپرست و نیز پسرانی که باید در آینده کارهای بزرگ را برعهده میگرفتند، استادانی میفرستاد که مزد میگرفتند. در یونان و مصر و هند و چین نیز آموزش الزامی بود، مقاله حاضر تلاش دارد تا دگرگونی و سیر تحول و تطور سبک و شیوه سامانه آموزشی کودک و نوجوان را از دوران باستان تا کنون بررسی کند.

کلمات کلیدی: سبک تعلیم، آموزش، ایران، کودک و نوجوان، تعلیم و تربیت

^۱ - دانشیار دانشگاه پیام نور؛ نویسنده مسئول (Asieh.zabihnia)

۱- مقدمه

در هر سرزمین، دولتمردان برای توسعه آموزش و فرهنگ شهروندان خود، برنامه خاصی را دنبال میکنند، از آنجاییکه بخشی از جمعیت هر کشور را کودک و نوجوان تشکیل میدهند، نوع آموزشی که برای کودک در سرزمینهای مختلف در نظر می‌گرفتند، بستگی تام به نگرش آنان نسبت به شخصیت کودک و نوجوان داشت. بر اساس هدف و نگرش تربیتی و پرورشی آن دوران به کودک و نوجوان، خواندن برخی از آثار ادبی که دارای پند و اندرز بود، سفارش میشد. بنمایه سبک و شیوه تمام متون آموزشی در ایران، از دوران باستان تا دوره اسلامی بر اساس اندرز و ارشاد است. پند و نصیحت، نخستین پایه اندرزنامه است. اندرز در دورنمایه خود تجربه گذشتگان است که برای انتقال به آیندگان بازگو میشود و به سبب داشتن درونمایه آموزشی خود رهنمودی برای مخاطبان بشمار می‌آید. داشتن «هدف بمنزله روشی برای دگرگون ساختن شرایط بود.» (مهارتهای آموزشی و پرورشی: ۱۵۸) و «هدف شایسته، هدفی است که با توجه به اوضاع و احوال موجود اتخاذ شود.» (مقدمه ای بر فلسفه آموزش و پرورش: ۸۶) مهمترین اهداف آموزش و تربیت کودک و نوجوان در جهان باستان، آمادگی برای مناصب سیاسی و سخنوری و تربیت جنگجویان بوده که این نگرش در تمدنهای شرقی بصورت تهذیب نفس و تربیت جلوه میکند. به هرصورت در هر یک از این جوامع، متون ادبی و مواد آموزشی متناسب با اهداف مورد نظر و سیاست کلی حاکم بر جامعه انتخاب میشد. با وجود اختلاف در میان تمدنهای مختلف، ادبیات شفاهی که سینه به سینه در میان همه جوامع بشری در جریان بوده است، و اغلب از یک الگوی ثابت پیروی میکند؛ این بخش، مهمترین مواد آموزشی و ادبی اقوام مختلف را تشکیل میدهد بگونه ای که در دوران بعد، اساس متون ادبی دوران بیداری و فرهنگی در کشورها شد.

۲- پیشینه تحقیق

تاکنون درباره جریان شناسی سبک آموزش ایام کودکی مقاله‌ای نوشته نشده؛ و اغلب کتب و مقالات چاپ شده، در زمینه آموزش و پرورش است که تعداد زیادی از آنها به عنوان منابع مقاله حاضر مورد استفاده قرار گرفته و در ارجاع پایانی آمده است. اما دو اثر مرتبط در این زمینه عبارتند از: در سال ۱۳۵۰، علیرضا حکمت کتابی را با عنوان «آموزش و پرورش در ایران باستان» منتشر نمودند. در سال ۱۳۷۳، علی بروجردی، مقاله ای را با عنوان «آموزش و پرورش در ایران باستان» در نشریه مصباح چاپ کردند، همانگونه که از عنوان آن پیداست بیشتر به شکل نهاد آموزش و پرورش در ایران باستان پرداخته است.

۳- سیر تحول و تطور سبک آموزش کودک و نوجوان در تمدنهای قدیم

۳-۱- شکل‌گیری سبک نهاد آموزشی و تربیت کودک و نوجوان در ایران باستان

سومریان که نخستین بار خط را آفریدند، در پایگذاری نهاد آموزش و پرورش نیز پیشگام بودند. لازمه آموزش خط، وجود یک گروه حرفه‌آی از آموزگاران بود. آموزگاران به «مکان» برای آموزش نیاز داشتند. با پیدایش مکانهای ویژه آموزش، روشهای آموزش و پرورش نیز شکل گرفت. یافته‌های باستان‌شناسی نیز این دیدگاه را تأیید میکند. (در حال تکوین واقع‌گرای آرمان‌طلب انقلاب اسلامی، زرشناس، ص ۳۷) نخستین سندهای سومری در یکی از شهرهای میان رودان به نام «اوروک^۱» در مجموعه‌ای از واژگان بر روی چند لوح به خط میخی دیده میشود که برای تمرین و سرمشق نوشته شده است. پیشینه این لوح‌ها به سه هزار سال پیش از میلاد برمیگردد. هدف بنیادین مدارس سومری آموزش علمی بود. این مدارس در آغاز با هدف پرورش کاتب برای امور اداری و اقتصادی پرستشگاه‌ها و کاخ‌ها بنیان نهاده شدند. همچنین باستان‌شناسان در کاوشهای خود در میان رودان به ساختمان‌هایی برخوردند که گواه وجود دبستان است. تفاوت این ساختمانها با خانه‌های معمولی وجود لوح‌های بشماربست که در این مکانها بدست آمده‌اند. باستان‌شناسان در سال‌های ۱۹۳۴-۱۹۳۵ میلادی در شهر باستانی «ماری^۲» در یکی از ساختمانها به دو اتاق برخوردند که بیشتر به اتاق درس مانند بود، زیرا چند ردیف نیمکت آجری مناسب نشستن دو یا چهار نفر داشت. در نیمه دوم هزاره سوم پیش از میلاد کار آموزش در مدارس سومری پیشرفت کرد. در اسناد بررسی شده نامی از دختران برده نشد و این خود نشانه آنست که دختران را به این مدارس راهی نبوده است. زندگی آموزشی شاگردان آسوده نبود، زیرا تمام روز از دمیدن آفتاب تا غروب آن در مدرسه میماندند. بررسی الواح یافته شده نشان میدهد که دانش‌آموزان بیش از هر کاری، آثار اسطوره‌ای و ادبی پیشینیان را میخواندند و نسخه- برداری میکردند. (الواح سومری: ۱۶) به گواه اسناد تاریخی، آموزش در ایران باستان، بین پنج تا هفت سالگی آغاز میشد. (سیر فرهنگ در ایران و مغرب زمین: ۶۰) آموزگار را «ایثرا پائی تی» یا «هیربد» میخواندند. به هر یک از آنان ۵۰ تن شاگرد هفت تا پانزده ساله میسپردند. (تاریخچه آموزش و پرورش در ایران: ۳) آموزگار میبایست علاوه بر فرزند «هم‌کیش یا برادر یا دوست، اگر

^۱- Uruk

^۲- Mari

شخص بیگانه برای تحصیل نزد او می‌آمد او را می‌پذیرفت و آنچه خواهد بدو بیاموزد.» (وندیداد، ص ۱۰۱) در ایران، «ادب» نخستین چیزی بود که پدران به فرزندان خود یاد میدادند، زیرا کودک نیکخوی و با ادب و تربیت ستایش همگان را برمی‌انگیخت در دینکرد آمده: «تربیت را باید مانند زندگانی مهم برشمرد و هرکس باید به وسیله پرورش و فراگرفتن و خواندن و نوشتن خود را به پایگاه ارجمند رساند.» (فرهنگ ایران باستان، بخش نخست: ۲۰۴) فرمانبرداری و بزرگداشت پدر و مادر، نخستین دستور فرزند نیکخوی و با ادب بود. فرزند ناسپاس و نافرمان در دنیای دیگر به پستترین دوزخ فرو خواهد افتاد و بدست «میترا» کیفر خواهد دید. سرانجام هنگامیکه فرزند (پسر) بزرگتر می‌شد، پیشه پدری را می‌آموخت. پدر به کودک، تنها آنچه را که بکارش می‌آمد، می‌آموخت. دانش‌آموز پاسخهای آموزگار را از برمی‌کند و بدینسان پس از دو تا سه سال، دانش‌آموز در هیربدستان برای بجای آوردن آداب پذیرش در آیین مزدایی آمادگی می‌یافتند. از اینرو باید این آموزش را در آستانه بزرگسالی به پایان رساند، تا آنکه اگر آیین پذیرش درباره‌اش بجای آورده شد، به آسانی به ارزش این راز مقدس پی برد و آداب مذهبی خویش را بشناسد. کودک از هفت‌سالگی پا بیای رشد و شکل‌گیری اندیشه‌اش، نزد پدر و یا در هیربدستان «وردهای کوچک و نیایشهای کوتاه را یاد میگرفت و سپس رفته رفته نیایش‌های بلند یشتها و بخش‌هایی از «ویدیوات» (وندیداد) و چیزهای دیگر را می‌آموزد. خانواده ایرانی در روزگار پیش از اسلام، مظاهری: ص ۲۰۵) نخستین آموزشگاههای ایران باستان، آتشکده‌ها و دیرها بوده‌اند. پیشوایان دینی نیز با نامه‌های مغ، هیربد، موبد به آموزش دانشهای دینی و دیگر دانشها میپرداختند. آنها نخست، اوستا را بکودکان می‌آموختند و شاگردان برای یادگرفتن و به یاد سپردن، بندهای بلند مذهبی (گات‌ها) را همه با هم با آهنگ میخواندند. (آموزش و پرورش در ایران باستان: ۱۲۳) سازمان آموزش و پرورش در ایران باستان در طی قرون و اعصار متمادی یکسان نبوده است و محلهای آموزشی نیز به فراخور زمان متفاوت بوده‌اند. (تاریخ فرهنگ ایران: ۵۹) لیکن در این دوران، «خانواده، آتشکده و آموزشگاه درباری به پرورش کودکان و نوجوانان میپرداختند که البته در برخی قرون دبستان و دانشگاه نیز بدان افزوده شده است.» (تاریخ آموزش و پرورش اسلام و ایران: ۶۵) این نوع آموزش در واقع «رایجترین و همگانتترین نوع آموزش بشمار میرفت که معمولاً در خانه و آتشکده انجام می‌پذیرفت.» (تاریخ آموزش و پرورش در اسلام و ایران: ۲۴) در پایان سده ششم میلادی، متون دینی، نخستین و گرانقدرترین کتاب درسی فرهنگستانها بودند. در این دوران برای آموزش اخلاقی کودک از روشهای عملی استفاده میکردند. در این

باره از هرودوت نیز سندی در دست است: «پیش از این کودکان را به دادگاه میبردند تا داورها را ببیند و بشنوند، و با دادگستری، از کودکی آشنا شوند.» (ایران باستان یا تاریخ مفصل ایران قدیم، ج ۲: ۱۵۳۹) در مجموع در ایران باستان، آموزش دینی پایه و اساس و پیش زمینه آموزشهای دیگر بود.

۳-۲- سبک آموزش و تربیت کودک و نوجوان در مصر باستان

در مصر، آموزش تنها برای امور دینی و خدمت در معابد رواج داشت و کاهنان درباره پزشکی، ریاضیات، جادو، اخترشناسی و اخترگویی دانستنیهای بسیاری به دست می آوردند، اما رعیت، که بیشتر جمعیت را تشکیل میدادند، وابسته به زمین بودند و سهم ناچیزی در این دانش داشتند. (تاریخ تمدن: ۲۳۹) تنها کودکان اعیان و اشراف به مدرسه میرفتند. همچنین نوعی ادبیات آموزشی^۱ برای کودک و نوجوان وجود داشت. این ادبیات یا آموزشی مستقیم و یا موعظه و نصیحت بود. این نوشته ها، اخلاق زعمای جامعه برده دار را نشان میداد، از جمله اینها میتوان متون مربوط به تعلیمات نظامی را نام برد. خصوصیت بارز برخی از این آثار بدبینی و سرخوردگی از زندگیست. چنانکه میتوان «آواز جنگی^۲» و «گفتگوی انسانی سرگردان با روح خویش» را که از آثار امپراطوری میانه مصرست نام برد. در این آثار تغییرات عمیق اجتماعی که در جامعه مصر روی میداد و شرایط سخت زندگی تهیدستان که از برده داران ستم میدیدند منعکس میکرد. (تاریخ جهان باستان: ۲۸۲)

۳-۳- سبک آموزش و تعلیم کودک و نوجوان در یونان

تحصیل در بیشتر تاریخ یونان خصوصی باقی بود. تنها در طول دوره هلنیستی، برای شهرها مدارس عمومی تاسیس کردند. تنها خانواده های ثروتمند قادر بودند که هزینه معلمان را بپردازند. پسران آنها میتوانستند بخوانند، بنویسند و متون ادبی مشهور را نقل نمایند؛ همچنین آواز بخوانند و موسیقی بنوازند و برای مسابقات ورزشی و خدمات نظامی آموزش میدیدند. آموزش دختران فقط در حد خواندن، نوشتن و انجام عملیات ساده حساب بود، بنابراین آنها نمیتوانستند امور یک خانه را اداره کنند، اما بندرت پس از دوران کودکی تحصیل میکردند. تعداد کمی از پسران، مدرسه را پس از دوران کودکی ادامه میدادند. زمانیکه نوجوان میشدند، «فلسفه» را بری رهنمون شدن بسوی یک زندگی اخلاقی و «خطابه» را برای انجام سخنرانیهای مجاب کننده و مؤثر در دادگاه و یا انجمنهای سیاسی فرا میگرفتند. چنین

1- Litterature didactique

2- Chant du harpiste

تمرینی برای انجام خطابه عمومی مؤثر، بویژه در دموکراسی‌های دوره کلاسیک، برای یکمرد جوان جاه طلب امری حیاتی بود. هر قدر یکمرد خطابه بهتری ارائه میداد، میتوانست به نفوذ و جایگاه بالاتری دست یابد. بخش مهمی از تحصیلات یک نوجوان ثروتمند ارتباط شاگرد-استادی با یکمرد مسنتر بود. در واقع بخشی مهمی از آموزش در یونان باستان، بصورت عملی بوده است؛ بدین صورت که شاگرد با مشاهده صحبت‌های سیاسی مربی خویش، کمک به او در انجام وظایف عمومی، کار و شرکت در مجالس مهمانی به همراه او، آموزش میدید. دانشگاهها توسط معلمانی مشهور اداره میشدند. در آنزمان آتن دارای بهترین دانشگاهها مثل لوکیون و آکادمی بود. نقادی، مهمترین ویژگی آموزش و پرورش آتن بود. جوانان عصر پریکلس (۴۹۵-۴۲۹ ق.م) علاوه بر فراگیری شیوه تعامل و مراوده با مردم، شیوههای تفکر و انجام کارها را نقادی میکردند. اینگونه شک اندیشی، شناخت تازه بیار میآورد و به راههای نوین تفکر و عمل میانجامید. (تاریخ تمدن: ۲۳۶) در این دوران، بچه های فقیر از هیچگونه آموزش رسمی برخوردار نبودند. پسران بزرگان و اعیان از هفت سالگی به مدرسه فرستاده میشدند. آنها را از خانواده جدا میکردند و در سرباز خانه های دولتی اسکان میدادند و با تربیت جدی، نظامی بار میآوردند. «تمرینهای ژیمناستیک در اسپارت، به عکس آتن، تمرین ورزشی نبود، بلکه برای این بود که بدنهای مقاومی ساخته شود.» (اخلاق محتشمی: ۱۳) پسران فرمانبرداری از دستورات، تحمل کردن درد، نشان ندادن احساسات و پرهیز کردن از گپ زدن و درد دل کردن را میآموختند. در برنامه های درسی آنها، سه نوع برنامه وجود داشت: خواندن و نوشتن و حساب، موسیقی، ژیمناستیک.

۴-۳- سبک آموزش و تعلیم در ایام کودکی در روم باستان (۱۴۶ ق.م. - ۵۲۹ م.)

از آموزش و پرورش کودکان رومی در دوران باستان، چندان خبری در دست نیست. اطلاعات ناچیز در این باره نشان میدهد که در آنزمان تعلیم آداب را دایه بر عهده داشت که معمولاً یونانی بود و تحصیلات ابتدایی به معلمان سرخانه سپرده میشد. ثروتمندان غالباً معلمانی برای کودکان خود اجیر میکردند. همچنین پسران و دختران طبقات آزاد در سن هفت سالگی به همراه «بچه پا» به مدرسه ابتدایی می رفتند و باز میگشتند تا مواظب اخلاق و سلامت ایشان باشد. چنین مدرسی در سراسر امپراطوری حتی در قصبه های کوچک وجود داشت. دیوار نوشته های رومی دال بر سواد عمومی دارد و احتمال میرود که تعلیم و تربیت در دنیای مدیترانه در آنهنگام مانند قبل و بعد از آن به یک اندازه رواج داشته است. (تاریخ تمدن: ۳۰۲) در عصر سیسرون، کودکان نخست خواندن، نوشتن و حساب میآموختند.

سپس به مدرسه ای فرستاده میشدند که در آنجا ادبیات یونانی و رومی را میخواندند. سیسرون به آموزشی توجه داشت که بتواند بچه ها برای بر عهده گرفتن مسؤلیت هایشان در سنا آماده سازد. شاگردان باید حقوق، ادبیات، سخنوری، تاریخ و فلسفه میآموختند؛ نه از روی کتابهای درسی آنطور که غالباً در مدرسه های نوین رایج بود، بلکه از روی آثار نویسندگان بزرگی چون هومر، افلاطون و... هدف از این آموزش، متمدن بار آوردن پسران بود. رومیان کسیرا که خوب تربیت شده بود، «انسان»^۱ مینامیدند. (همان، ص ۳۲۵) کتاب اصول سخنوری^۲ درباره آموزش خاص سخنور یا شهروند شدنست. این کتاب تأثیر بزرگی بر آموزش کودک و نوجوان گذاشته و اصول سخنوری در دوازده کتاب تدوین شده است. و درباره آموزش مقدماتی بحث میکند. این کتاب توصیه های خوب بسیاری دارد.

۵-۳- چین باستان و تربیت و آموزش کودک و نوجوان

آموزش و تربیت مردم چین باستان مبتنی بر فرائض و دستورات کنفوسیوس^۳ بود. چینی ها از روزگاران کهن، شعر را دوست داشتند. (تاریخ قرون وسطی: ۱۴۷) آثار کنفوسیوس جزو موارد آموزشی برای مخاطب نوجوان بود. همچنین در دربار، مدرسه مخصوص هنرپیشگی وجود داشت. (همان)

۴- سیر تحول و تطور سبک آموزش کودک و نوجوان

۴-۱- سبک سامانه آموزشی و تربیتی کودک و نوجوان در قرون وسطی

در سده چهاردهم تغییراتی در همه ارکان اجتماع غربی رخ داد که امروزه از آن به عنوان عصر بیداری یا رنسانس یاد میشود. در حالی که کشورهای شرقی، کم کم به مدد تعالیم اسلام به اوج شکوفایی دست می یافتند، در کشورهای غربی، توحش و بربریت حاکم بود. مورخان ایندوره را «قرون وسطی» یا «سده های تاریک» نامیده اند. آنچه کودکان و نوجوانان میخواندند، در مدارس در حد علوم صرف و نحو، معانی و بیان و منطق و خارج از مدرسه، شامل حماسه های خشن پهلوانی، فابلهای عاشقانه و رمانسها بود که در ابتدا بیشتر بصورت شفاهی رایج شد. زبان رایج نوشتاری در این دوره، لاتین بود. در جریان انحطاط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی امپراتوری روم، آموزش و پرورش آسیب دید. مطالعات به

^۱- Humanius

^۲- Institutes of Oratory

^۳- Confucius

«هفت موضوع درسی» که به آن «تحصیلات آزادگان»^۱ می‌گفتند، خلاصه شد. واژه «آزادگان» صفتی است برای اینکه تحصیلات، از پیشه‌ها، حرفه‌ها و کارهای بدنی متمایز شود. هفت موضوع درسی به دو دسته سه‌گانه و چهارگانه بخش می‌شد. مواد سه‌گانه شامل: دستور (صرف و نحو)، معانی و بیان و منطق بود. مواد چهارگانه شامل: هندسه، حساب، اخترشناسی (نجوم و هیئت) و موسیقی می‌شد. دانش‌آموزان بندرت در هفت درس مهارت می‌یافتند، اما وقت خود را بیشتر در مواد سه‌گانه و بویژه در دستور صرف می‌کردند. در سده میانه آثار نویسندگان بزرگ را برای درس دستور زبان و منطق می‌خواندند و به فلسفه و کلام نیز می‌پرداختند. (تاریخ تمدن: ۴۶۴)

۴-۲- آموزش و تربیت کودک و نوجوان در عصر بیداری (قرن چهاردهم و پانزدهم میلادی)

دوران نوزایی از قرن چهاردهم میلادی آغاز شد و تا پایان سده پانزدهم که آنرا دوران پیشرفتهٔ رنسانس نامیده‌اند به درازا کشید. مهد نوزایی، ایتالیا و بویژه شهر «فلورانس» بود، جاییکه اندیشهٔ انسان‌گرایانه یا اومانیزم از آن سر برآورد. (صورت بندی مدرنیته و پست مدرنیته: ۱۲) در قرن دوازدهم میلادی نقش رهبری‌کنندهٔ «منطق» در آموزش و پرورش آغاز شد. در سراسر سده‌های میانه و حتی در عصر نوین، تأکید را بیشتر بر استدلال درست می‌گذاشتند، که تنها موضوع مورد توجه بود. آثار اخلاقی و فلسفی ارسطو شهرت یافت. بدین ترتیب دانش پژوهان با سیاست، اخلاق، شاعری (بوطیقا)، سخنوری (ریطوریقا) دربارهٔ جانوران، دربارهٔ نفس و با مابعدالطبیعهٔ ارسطو آشنا شدند. (تاریخ تمدن: ۶۱۷) رفته رفته اکثر جوانان و نوجوانان به ادامهٔ تحصیلات راغب شدند و ضمن ورود به دانشگاهها، مواد آموزشی به طور کامل تحصیل می‌شد. روشنگری، جنبشی فکری، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در کنار خردگرایی، شناخت و پیشرفت بشری و آسانگیری دینی و مبارزه با خرافه پرستی، محورهای اصلی رنسانس در سده‌های بعدی شد. الگوی گسترش ادبیات کودکان در جهان گواهی می‌دهد که سامانهٔ آموزشی نه تنها چارچوب آفرینش و رسمیت یافتن ادبیات کودکان، که مراحل رشد آنها نیز شکل میداد. در این دوره ادبیات کودکان، مشروعیت خود را از نهادهای آموزشی می‌گرفت. این الگو کم و بیش در همهٔ کشورها دیده می‌شود. نخستین کتابهای رسمی کودکان در همه جای دنیا، الفبا آموزها بودند. این الفبا آموزها با نگرش آموزشی-دینی و با هدف آموزش خواندن بکودکان به نگارش درآمدند.

^۱- Liberal arts

۴-۳- شیوه تربیت و آموزش کودک و نوجوان در دوره رنسانس

پس از سده پانزدهم میلادی و تحت تأثیر دگرگونیهای عصر روشنگری، به‌ویژه گسترش زبانهای ملی و گسترش سواد و ابداع صنعت چاپ، بتدریج خواندن و نوشتن از انحصار گروه‌های برگزیده جامعه آن روز اروپا خارج شد و به‌میان مردم عادی راه یافت. در نیمه دوم سده هفدهم میلادی، «جان ایموس کامینیوس» نویسنده چک‌تبار اهل بوهم با انتشار «جهان دیدنی در تصویرها» که کتابی درسی بود و در نوع خود در غرب بمنزله نخستین کتاب تصویری کودکان نیز تلقی می‌شود، این فکر را عرضه کرد که کودکان به مواد خواندنی ویژه خود نیاز دارند. او یکی از شخصیت‌هایی است که مصرانه خواستار آزادی کودکان و تأمین امکانات سرگرمی برای آنها همپای آموزش بود. وی در کتاب خود، حرف‌های مختلف را با تصویرهای حیوانات مشخص کرد تا کودک از طریق خواندن نام آنها به تلفظ حرف‌ها برسد، و از همان زمان پیوند میان تصویر و متن در کتابهای کودکان آغاز شد؛ ولی حدود یک سده بطول انجامید تا اندیشه و استدلال او پی‌روانی پیدا کرد.

۴-۴- سبک و روش تعلیم کودک و نوجوان در قرن شانزدهم میلادی

در اروپای پس از نوزایی، نقش دین در کارهای دنیایی و حکومتی رنگ می‌باخت. (تاریخ ادبیات کودکان ایران، محمدی، قایینی: ص ۲۲۸) پس از در هم شکستن قدرت کلیسا در سده شانزدهم و هفدهم، قصه‌های پریان دوباره فراگیر شدند و بسیاری از آنها به چاپ رسیدند. (Children's Literature, Hunt, p 68) در این تحول بنیادین نمیتوان از نقش پیشرفت‌های علمی و بالا رفتن سطح زندگی چشم پوشید. انقلاب فرانسه در بهبود جایگاه کودک نقش بزرگی داشت. انقلاب فرانسه نظام ملی آموزش و پرورش برای کودک را بنیان گذاشت. (لیبرال‌یسم: ۱۳۹) که تحولی اساسی در زندگی او بشمار میرفت. در اواخر قرن هجدهم لوئی لانگلس^۱ مدرسه زبانهای شرقی را دایر کرد و خود ریاست آنرا برعهده گرفت. اولین اثری که بوجود آورد ترجمه گلستان سعدی بود و سپس سفرنامه شاردن را با تحشیه و توضیحات لازم چاپ کرد. (ادبیات ایران در ادبیات جهان: ۹۰) در خلال قرن نوزدهم میلادی، در کشورهای مختلف توجه ویژه به ادبیات کودک و نوجوان، در دیدگاه‌های آموزشی نو درباره رشد و گسترش سواد آموزی و پرورش کودکان بازتاب پیدا کرد. این پدیده با دگرگونی در حال و روز کودکان در غرب همزمان بود.

^۱- Louis Langles (1774-1823)

۵-۴- صنعت چاپ و دگرگونی شیوه آموزش و تربیت کودک و نوجوان

تا دوران رنسانس، کتابها را با دست مینوشتند. کتابها، نسخه برداری و سپس صحافی میشدند. حدود سال ۱۴۵۰م. صنعت چاپ در آلمان اختراع شد. در اواخر قرن ۱۵ ابداع حروف کوچکتر، سبب شد تا کتابهایی در قطع کوچکتر و ارزانتر در اختیار مردم و پس در اختیار کودکان و نوجوانان قرار گیرد. در قرون وسطی، تنها روحانیان و عده اندک دیگری سواد خواندن داشتند ولی در دوره رنسانس، کودکان و نوجوانان نیز کتاب میخواندند. (رنسانس: ۱۴) نزدیک به ۳۰۰ سال پس از اختراع چاپ، ادبیات کودکان در اروپا در جایگاه فرهنگی جداگانه بازشناسی نشده بود. بیشتر متنهای آموزشی و درسی، کتابهای اخلاقی و ادب آموز بودند که به مفهوم امروزی جزو ادبیات کودکان بشمار نمیآمدند. هدف از انتشار این کتابها آموزش رفتار درست به کودکان بود. در رشد ادبیات کودکان، برخلاف ادبیات بزرگسالان، سامانه آموزشی نقش بنیادی داشته و در برآمدن ادبیات کودک در جوامع گوناگون تأثیر گذار بوده است. همزمان با به رسمیت شناخته شدن نیازهای زیستی ویژه کودک، نیاز او به شکوفایی اندیشه و تخیل نیز به رسمیت شناخته شد. این نیاز تا آنزمان از سوی نهادهای آموزشی برآورده نشده بود. زیرا تا پیش از ایندوره، روانشناسی علمی با آموزش و پرورش پیوند نخورده بود. اما پس از استوار شدن سامانه آموزش و پرورش بر پایه دیدگاه های روانشناختی، کتاب کودک ابزاری برای سرگرمی و لذت او شمرده شد و بدینسان رویکرد جدیدی در سامانه ادبی بوجود آمد که پیشتر سامانه آموزشی آنها در نیافته بود. از اینزمان ادبیات کودکان دارای بار زیبایی شناختی شد. یعنی خواندن نه برای آموختن که برای لذت بردن و انگیزش عواطف بود. (تاریخ ادبیات کودکان ایران، محمدی، قایینی: ص ۲۲۷) مفهوم کودکی از قرن هفده در اروپا شکل گرفت. هسته اولیه شکل گیری این مفهوم را باید در دگرگونی نگاه هنرمندان به کودک دانست. نگاه انسان گرایانه هنرمندان دوران رنسانس توجه به کودک را افزایش داد و نقش آنها را در تابلوها و دیوار نگارها که نمادی از فرشته خویی و بیگناهی بودند، در برابر نقش و نگاه سنتی - که به کودک همچون موجودی برآمده از گناه نخستین نگاه میکردند - قرار داد. *the concept of childhood and Children's Folktales*, p 129) میتوان قرن هفدهم را نقطه آغاز تالیف کتاب برای کودک و نوجوان دانست؛ اولین بار شخصی بنام «یوهان آموس کمینوس»^۱ در سال ۱۶۲۸ کتابی بنام

^۱- Ameos Kemenoos

«آموزشگاه کودکان» و در سال ۱۶۵۴ کتاب دیگری را بنام «جهان در تصویر» منتشر ساخت و طی آن کودک را بعنوان فردی جداگانه مورد بررسی قرار داد و بر رغبتها و استعدادهای وی تأکید کرد اما بهترین اثر او بنام «هنر بزرگ معلمی» در سال ۱۶۵۷ منتشر شد. پس از کمینوس، یک روحانی در انگلیس به نام «جیمز جانی وی»^۱ بین سالهای ۱۶۷۱-۱۶۷۲ نخستین کتاب مخصوص کودکان و نوجوانان را با عنوان «یادگیری برای کودکان» نوشت. این کتاب، بیشتر رنگ مذهبی داشت و تلاش میکرد افکار و عقاید دینی را بعنوان بهترین وسیله برای جلوگیری از «ترس» بکودکان تلقین کند.

۴-۶- شیوه و سبک دیدگاههای تربیتی و آموزشی نو

یکی از ویژگیهای آموزش و تربیت در جهان، حرکت پیوسته از آموزش بسوی آموزش و پرورش بود. علیرغم تحول عمیق و همه جانبه در شناخت کودکان و چگونگی پرورش و تربیت آنان، هنوز شاهد آن هستیم که در سطوح گوناگون، توجه لازم به حقوق کودک و نوجوان نمیشود. در حالی که طبق «موازین بین المللی آموزش شی تمام کودکان و نوجوانان باید از آموزش و پرورش همگانی و رایگان برخوردار شوند. (آموزش در دوران کودکی: ۴) از نیمه نخست قرن بیستم، در دوران گوناگون، سازمانهای دولتی وابسته به اداره مدرسه ها در بسیاری از کشورها نام خود را از وزارت تعلیمات عمومی به وزارت آموزش و پرورش برگرداندند. چنین دگرسازی بیانگر کارکردهای گسترده تر این سازمانها در گستره آموزش بود.» (تاریخ آموزش و پرورش در قرن بیستم: ۲۵) تلاشی که جان لاک و روسو آغاز کردند، در این دوره کم کم ببار مینشست و آموزش محض که هدف آن تنها انتقال اطلاعات از مرجعی مقتدر به شاگردان بود، اندک اندک جای خود را به نزدیکی به سرشت کودک و پرورش نیروهای درونی او برای شکوفاتر شدن تواناییهایش می داد. اندیشه های آموزش و پرورش در جهان غرب در بستر پیشرفتهای اجتماعی در جامعه صنعتی شکل گرفته اند. بدین سان دیدگاههای آموزش و پرورش نو در غرب در یک ساختار اجتماعی پویا که رو به دموکراسی میرفت، شکل گرفت. با تلاش صاحب نظران، آموزش و پرورش از چیرگی کلیسا رهایی یافت و دولت، ساماندهی آنرا بر عهده گرفت. چنین پیشرفتهایی در نظریه پردازی آموزش و پرورش در حالی انجام میگرفت که از آغاز قرن بیستم، طبقه میانی، حکومت و قدرت را بدست داشت و صنعت، کسب و کار و بازرگانی، منبع اصلی ثروت ملی بود. در

^۱- James Juneway

کنار مهندسانی که دستگاهها را طراحی میکردند و میساختند و کارخانه دارانی که کارخانه ها را بنیاد می‌گذاشتند، شیمیدانان، فیزیکدانان و زیست‌شناسانی بودند که با کار خود این روند را تداوم میبخشیدند. پشت سر اینان نیز آموزگاران ایستاده بودند که به نسل آینده برای درک دورانی که در آن میزیستند، آموزش میدادند.

۵- نتیجه‌گیری

از مباحث مطرح شده در مقاله نتیجه می‌گیریم که در همه کشورهای جهان، نهادهای مذهبی با هدف آموزشهای دینی در تمام دوران تاریخی نقش داشته‌اند. این نهادها چه در معبدها و آتشکده‌ها و چه در کلیساها و مسجدها کودکان را آموزش میدادند و در روند آموزش، متن‌هایی برگرفته از کتاب‌های مقدس دینی برای آموزش کودکان فراهم میکردند. همچنین شعر و موسیقی را نه برای ارزشهای معنوی و زیبایی‌شناختی، بلکه برای تأثیر نظامی می‌آموختند. آموزش و پرورش اسپارتی به عکس آموزش و پرورش آتنی، در آموزش و پرورش سدهای میانه و نوین تأثیری نگذاشت، یا اگر گذاشت تأثیر چندانی نبود. مختصات سبک تعلیم و تربیت کودک و نوجوان در «اسپارت» عبارتند از: توجه فراوان به امور نظامی و اصول سپاهگیری و تربیت قوای جسمی، پرورش شهامت، اطاعت از قانون و احترام نهادن به بزرگان، پرورش کودکان تا هفتسالگی نزد خانواده سپس انتقال به آموزشگاههای دولتی، پرورش قوای ذهنی و اخلاقی بر مبنای عقاید مذهبی. از سوی دیگر آنان میپنداشتند نقش اساسی در آموزش، با حافظه است؛ تصویری که در سراسر سدهای میانه و عصر نوزایی ادامه یافت. در آغاز، بزرگ‌زادگان و کودکان فرادست و بعدها کودکان فرودست برای خواندن متون مذهبی آموزش داده میشدند. هنگامی که کودکان توانستند بخوانند، امکان‌پذیرش کتابهای فراوان از ادبیات بزرگسالان که مورد پسند آنها نیز بود، فراهم شد. تا دورانی دراز، مرز میان کتابهای کودکان و بزرگسالان آشکار نبود. در اروپا، ۱۰۰ سال زمان لازم بود تا آگاهی فرهنگی بتواند مرز میان کتاب کودک و بزرگسال را روشن کند و بیش از ۱۵۰ سال گذشت تا کتابهای کودک در مجموعه‌ای جداگانه قرار گرفتند. حتی در جوامعی که از فناوری اطلاعات پیشرفته برخوردارند، شرط لازم برای بهره‌گیری از این فناوری، مهارت در خواندن مواد مختلف است. بهترین روش برای کسب این مهارت، تمرین در خواندن است و کتابهای کودکان چنین امکانی را فراهم‌میسازند. بنابراین نیاز به آنها نیازی واقعی بشمار می‌آید. ایرانیان حتی اگر تنگدست بودند، آموزش و پرورش فرزندان را بسیار ارج مینهادند. آنان کودکی را دوران گذار بسوی بزرگسالی میپنداشتند. به کودک همچون مردان و زنان کوچکی مینگریستند که باید به

خانواده و پدر و مادر خود خدمت کند و برای بزرگسالی و روزگار آینده آماده شوند. در پایان جنگ جهانی دوم، مسائل عظیم جوانان، تغییر سبک آموزش و پرورش همه و همه در تغییر جهت دادن به ادبیات کودک بسیار مؤثر بودند. از طرف دیگر مللی که استقلال یافتند از آزادی فکری بیشتری در این زمینه برخوردار شدند.

منابع و مأخذ

- ۱- اخلاق محتشمی، خواجه نصیر الدین طوسی، به تصحیح محمد تقی دانش پژوه، دانشکده معقول و منقول، تهران، ۱۳۳۹.
- ۲- ادبیات ایران در ادبیات جهان، امیر اسماعیل آذر، سخن، تهران، ۱۳۸۷.
- ۳- ادبیات کودک محور، منصوره راعی، به کوشش چیستا یثربی، نشر نامیرا، تهران، ۱۳۸۱، جلد ۳.
- ۴- ادبیات کودک و دوران کودکی، کارین لسینک، ترجمه علیرضا ابراهیم آبادی، ماهنامه کتاب ماه کودک و نوجوان، تهران، نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰، شماره ۴۸، صص ۸۱-۱۰۲.
- ۵- از افسانه اطفال تا تعلیمات ابتدایی، محمود طاهر احمدی، فصلنامه بهار، ۱۳۷۷، شماره ۱۹، صص ۷۲-۹۰.
- ۶- اساطیر مصر، ویو، ژ، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور، کاروان، تهران، ۱۳۸۱.
- ۷- ایران باستان یا تاریخ مفصل ایران قدیم، حسین پیرنیا، مقدمه باستانی پاریزی، دنیای کتاب، تهران، ۱۳۶۲، جلد ۲.
- ۸- ایران در زمان ساسانیان، آرتور کریستن سن، ترجمه رشید یاسمی، صدای معاصر، تهران، ۱۳۷۸.
- ۹- آموزش در دوران کودکی، برنارد اسپادک، ترجمه محمدحسین نظری نژاد، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۸.
- ۱۰- آموزش و پرورش در ایران باستان، علی بروجردی، مجله مصباح، شماره ۹، بهار، ۱۳۷۳، صص ۱۲۳-۱۴۲.
- ۱۱- آموزش و پرورش در ایران باستان، علیرضا حکمت، مؤسسه تحقیقات و برنامه ریزی آموزشی، تهران، ۱۳۵۰.
- ۱۲- پیش درآمدی بر رویکردها و مکتب‌های ادبی، شهریار زرشناس، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ۱۳۸۶.
- ۱۳- تاریخ اجتماعی ایران در عهد باستان، محمدجواد مشکور، دانشسرای عالی، تهران، ۱۳۴۷.
- ۱۴- تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، احمد تفضلی، به کوشش ژاله آموزگار، سخن، تهران، ۱۳۷۶.
- ۱۵- تاریخ ادبیات ایران، سید علی اصغر میرباقری فرد، سمت، تهران، ۱۳۸۱، جلد ۱.
- ۱۶- تاریخ ادبیات جهان، تراوینگ باکتر، ترجمه عربعلی رضایی، فرزانه، تهران، ۱۳۹۰، جلد ۱.
- ۱۷- تاریخ ادبیات کودکان ایران (دوره ی ۷ جلدی)، محمدهادی محمدی، زهره قایینی، چیستا، تهران، ۱۳۸۰.

- ۱۸- تاریخ ایران زمین از روزگار باستان تا عصر حاضر، محمد جواد مشکور، اشراقی، تهران، ۱۳۵۶.
- ۱۹- تاریخ آموزش در اسلام، احمد شبلی، ترجمه محمد حسین ساکت، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۶.
- ۲۰- تاریخ آموزش و پرورش اسلام و ایران، علی محمد الماسی، دانش امروز، تهران، ۱۳۷۰.
- ۲۱- تاریخ آموزش و پرورش ایران قبل و بعد از اسلام، کمال درانی، سمت، تهران، ۱۳۷۶.
- ۲۲- تاریخ آموزش و پرورش ایران و اسلام، محمدعلی ضمیری، راهگشا، شیراز، ۱۳۷۳.
- ۲۳- تاریخ آموزش و پرورش در اسلام و ایران، منوچهر و کیلیان، دانشگاه پیام نور، تهران، ۱۳۷۸.
- ۲۴- تاریخ آموزش و پرورش در ایران و اسلام، محمدعلی کشاورزی، نشر روزبهان، تهران، ۱۳۸۲.
- ۲۵- تاریخ آموزش و پرورش در قرن بیستم، ویلیام فریزر کانل، ترجمه: حسن افشار، نشر مرکز، تهران، ۱۳۶۸.
- ۲۶- تاریخ تمدن، ویلیام جیمز دورانت، مترجمان: احمد آرام، ع پاشایی، آریان پور، آموزش انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۶۳.
- ۲۷- تاریخ تمدن، ویلیام جیمز دورانت، مترجمان: مجتبابی، پیرنظر، آریان پور، علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۵.
- ۲۸- تاریخ تمدن، هنری استیون لوکاس، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، سخن، تهران، ۱۳۸۲.
- ۲۹- تاریخ جهان باستان، آ. کاژدان و دیگران، ترجمه محمدباقر مؤمنی و همکاران، فردوس، تهران، ۱۳۸۶.
- ۳۰- تاریخ فرهنگ ایران، عیسی صدیق، نشر زیبا، تهران، ۱۳۵۴، چاپ هفتم.
- ۳۱- تاریخ قرون وسطی، یوگنی آلکسی یوویچ کاسمینسکی، ترجمه صادق انصاری و محمد باقر مومنی، فردوس، تهران، ۱۳۸۶.
- ۳۲- تاریخ مدارس ایران از عهد باستان تا تاسیس دارالفنون، حسین سلطان زاده، آگاه، تهران، ۱۳۶۴.
- ۳۳- تاریخچه آموزش و پرورش در ایران، ناصر افشارفر، نگاه به رویدادهای آموزش و پرورش، شماره ۲۹، تیرماه، ۱۳۷۳، صص ۳۷-۱۴.
- ۳۴- چهارمحور سازنده متن ادبی کودکان، محمد محمدی، پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان، تهران، ۱۳۷۸، بهار ۱۲، صص ۶۲-۴۱.
- ۳۵- خانواده ایرانی در روزگار پیش از اسلام، علی اکبر مظاهری، مقدمه پل فوکونه و حامد فولادوند، قطره، تهران، ۱۳۷۲.

- ۳۶- در حال تکوین واقع‌گرایی آرمان‌طلب انقلاب اسلامی، شهریار زرشناس، ماهنامه ادبیات داستانی، شماره ۷۶-۷۵ دی و بهمن ۱۳۸۲، صص ۱۸-۳۲.
- ۳۷- دوره مختصر تاریخ فرهنگ ایران، عیسی صدیق، شرکت سهامی طبع کتاب، تهران، ۱۳۵۵.
- ۳۸- رمانهای کلیدی جهان، دومینیک ژنس، ترجمه: محمد مجلسی، دنیای نو، تهران، ۱۳۷۹.
- ۳۹- رنسانس، جیمز آ. کاریک، ترجمه آریتا یاسایی، ققنوس، تهران، ۱۳۸۰.
- ۴۰- روش‌شناسی نقد ادبیات کودکان، محمد هادی محمدی، سروش، تهران، ۱۳۷۸.
- ۴۱- زندگی مسلمانان در قرون وسطا، علی اکبر مظاهری، ترجمه مرتضی راوندی، صدای معاصر، تهران، ۱۳۷۸.
- ۴۲- سیاحتنامه شاردن، ژان شاردن، ترجمه محمد عباسی، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۴۹.
- ۴۳- سیر تحول تحصیلی از مشروطه تا پایان سلطنت رضاشاه، محمود طاهر احمدی، نشریه گنجینه اسناد، سال نهم، دفتر ۳ و ۴، شماره ۳۵ و ۳۶، پاییز و زمستان، ۱۳۷۸، صص ۴۵-۶۸.
- ۴۴- سیر فرهنگ در ایران و مغرب زمین، عیسی صدیق، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۳۲.
- ۴۵- سیر فرهنگ و تاریخ تعلیم و تربیت در ایران و اروپا، مرتضی راوندی، نگاه، تهران، ۱۳۶۷.
- ۴۶- صورت بندی مدرنیته و پست مدرنیته، حسینعلی نودری، نقش جهان، تهران، ۱۳۷۹.
- ۴۷- فرهنگ ایران باستان، ابراهیم پورداود، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۶، بخش نخست، چپ سوم.
- ۴۸- فرهنگ ایرانی پیش از اسلام و آثار آن در تمدن اسلامی و ادبیات عربی، محمد محمدی، توس، تهران، ۱۳۸۱.
- ۴۹- گامی در ادبیات کودکان و نوجوانان، سعید غفاری، دبیرش، تهران، ۱۳۸۱.
- ۵۰- گنجینه حماسه‌های جهان، ژرار شالیان، ترجمه علی اصغر سعیدی، چشمه، تهران، ۱۳۸۵.
- ۵۱- لیبرالیسم (معنا و تاریخ آن)، جان سالوین شاپیرو، ترجمه محمد سعید حنایی کاشانی، مرکز، تهران، ۱۳۸۰.
- ۵۲- مقدمه‌ای بر فلسفه آموزش و پرورش، جان دیویی، ترجمه آرین پور، انتشارات فرانکلین، تهران، ۱۳۹۳.
- ۵۳- مهارت‌های آموزشی و پرورشی، حسن شعبانی، سمت، تهران، ۱۳۷۱.
- ۵۴- الواح سومری، سمیوئل نوآکرامر، ترجمه داود رسائی ابن سینا، تهران، ۱۳۴۰.
- ۵۵- وندیداد، ترجمه و پژوهش هاشم رضی، نشر بهجت، تهران، ۱۳۸۵.
- ۵۶- Children's Literature. Peter Hunt. Routledge: London and Newyork. 2006
- ۵۷- The concept of childhood and Children's Folktales . Zohae Shavit. in little red. Riding hood, a casebook, Alan Dundes. 1989.